

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۳، تابستان ۱۴۰۳

سنجش عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در مناطق اسکان غیررسمی کلان شهر

تبریز

دریافت مقاله: ۹۸/۶/۲۷ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۱۳

صفحات: ۴۳۵-۴۱۹

نازلی پاکرو: دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

Email: npakru@yahoo.com

رسول درسخوان: استادیار گروه شهرسازی و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران^۱.

Email: Darskhan.s@gmail.com

چکیده

شهرنشینی شتابان مشکلاتی را در جنبه‌های مختلف برای شهروندان و مدیران شهری به وجود آورد که لزوم اتخاذ راهکارها و رویکردهایی برای بهبود شرایط را متذکر می‌شد. در این میان مفهوم کیفیت زندگی برای ارزیابی این وضعیت در شهرها سر برآورد. کیفیت زندگی به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و ... در سطوح و مقیاس‌های متفاوتی موردبحث و بهره‌گیری قرار گرفته است. در این پژوهش که با هدف سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز انجام شده است. از روش پیمایشی برای این هدف بهره‌گیری شده است. می‌توان گفت که رویکرد ذهنی کیفیت زندگی بر این پژوهش حاکم است که رضایت و نظر ذهنی ساکنان مبنای کار قرار گرفته است. از آزمون T تک نمونه‌ای و تحلیل مسیر برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج نشانگر این است که میانگین همه ابعاد کیفیت زندگی پایین‌تر از متوسط می‌باشد و تنها عامل اجتماعی - فرهنگی بالاتر از میانگین برآورد شده است. همچنین میانگین کیفیت زندگی کل با ۲,۸۲، پایین‌تر از میانگین برآورد شده است که نشان‌دهنده کیفیت پایین زندگی در این محلات می‌باشد. بر اساس تحلیل مسیر انجام شده، بعد اقتصادی با ۰,۶۸۵ بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی در این محلات دارد. لازم است هرگونه برنامه‌ریزی برای این محلات با در نظر گرفتن ابعاد و جنبه‌های مختلف انجام گیرد تا از اثربخشی قابل قبولی برخوردار باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، سکونتگاه‌های غیررسمی، کلان شهر تبریز

۱. نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه

امروزه بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند، شهرها از یک‌سو به‌عنوان کانون‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فضایی به شمار می‌روند (Varol, et al, 2010:1) و از سوی دیگر مناسب‌ترین مکان‌هایی هستند که مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در آن‌ها پدید می‌آید (Conelly, 2007, 259). بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، بین سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۲۵ یعنی دوره ۷۵ ساله، تراز کلی شهرنشینی جهان از ۲۹ درصد به ۶۱ درصد افزایش خواهد یافت (میرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰۶). روند شهری شدن جهان به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، آن‌چنان سریع بوده که پژوهشگران مسائل شهری را دچار حیرت ساخته است. قرن ۲۱ در حالی آغاز شده که حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و انتقال شهری تقریباً صورت گرفته است. شهرنشینی با چنان سرعتی به‌پیش می‌رود که در تاریخ بی‌سابقه بوده است (افشانی، احمدی بغداد آبادی، ۲:۱۳۹۸). لذا شهرها را با مشکلاتی مانند افزایش سفر با وسایل نقلیه، ناکافی بودن خدمات، کاهش کیفیت هوا، حس تخریب محیط‌زیست، تبعیض در استفاده از زمین و ... مواجه کرده است. بدیهی است که این مشکلات تأثیر منفی بر کیفیت زندگی بشر دارد (سرگی، ادین و همکاران، ۱:۲۰۱۲). اگرچه شهر و شهرنشینی خود یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود، اما رشد شتابان آن می‌تواند سرانه برخورداری از بسیاری امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد و از این طریق پیامدهای آن به‌صورت کاهش سطح کیفیت زندگی در عرصه‌های مختلف شهری نمایان شود که این مسئله در شهرهای کشورهای درحال توسعه من‌جمله ایران که افزایش جمعیت شهرها در بیشتر مواقع ناخواسته و بدون برنامه‌ریزی به وقوع پیوسته است، بسیار مشهود است (نسترن و همکاران، ۸:۱۳۹۴). در این، میان حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که همراه با سایر پدیده‌های تأثیرگذار، بر مشکلات شهری افزوده است (صابریفر، ۱۳۸۸:۳۰) و پیش‌بینی می‌شود در ۳۰ سال آینده تعداد حاشیه‌نشینان به دو میلیارد نفر برسد (نقدی و زارع، ۱۳۸۹:۱۴۶). برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان ابزاری که تأمین‌کننده آسایش و بهبود شرایط شهرها است، نقش تعیین‌کننده‌ای در ادامه حیات مطلوب شهرها دارد. برای حصول این هدف مفاهیم و نظریات مختلفی ارائه شده است که همگی در جهت بهبود کیفیت زندگی و ایجاد رضایتمندی در شهروندان بوده است. اسکان غیررسمی پدیده‌ای گذرا می‌باشد و دارای ابعاد محدودی نیست و نشان‌دهنده ناکارآمدی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های متداول شهری است که اقدامات و رهیافت‌های نوینی را می‌طلبد (محمدی و همکاران، ۸۶:۱۳۸۷). از سوی دیگر، اسکان غیررسمی برای درصد بالایی از جمعیت شهری کشورهای درحال توسعه سرپناه ایجاد می‌کند (Abbot, 2003:317). بحث کیفیت زندگی به‌تازگی در ادبیات توسعه پایدار و برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی و مباحث اقتصاد نوین مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است (عظیمی، ۴:۱۳۸۹). امروزه مطالعات کیفیت زندگی عمدتاً بر محیط شهری و کیفیت زندگی شهری تمرکز کرده است و بررسی آن از ضرورت و اهمیت بسزایی برخوردار است که این امر همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است (حسینی و شمس، ۱۷:۱۳۹۸). این مبحث یک موضوع چند رشته‌ای بوده و از این‌رو یک مفهوم چندبعدی می‌باشد (ویش، ۹۳:۱۹۸۶). کیفیت زندگی شهری ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیب عوامل مرتبط با هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، احساس ما در واکنش به فرم محیط و شرایط ما در محیط است (Walford et al, ۲۰۱۱:۱۶۵). کیفیت

زندگی به عنوان استاندارد سلامت، آسایش و خوشبختی‌ای که توسط فرد یا گروه تجربه می‌شود (فرهنگ لغت آکسفورد)، سطح رضایت و راحتی که یک فرد یا گروه از آن لذت می‌برد (فرهنگ لغت کمبریج) یا به عنوان سلامت عمومی یک فرد یا جامعه تعریف شده است (Aroca et al: ۲۰۱۷, 87). بنابراین کیفیت زندگی به طور مستقیم با سطح رضایت‌مندی افراد ارتباط دارد و به فکر و احساسات مردم در مورد شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها برمی‌گردد (حیدرزاده، بهزادفر، ۱۳۹۸: ۲).

یکی از مهم‌ترین مشکلات مناطق حاشیه‌نشین، کیفیت پایین زندگی شهری در این محله‌ها است. هم‌زمان با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، حاشیه شهرها با مشکلات بسیاری به‌ویژه در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مواجه شدند که به‌طور کلی منجر به کاهش کیفیت زندگی شهری در این مناطق شده است (کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۶). توانمندسازی محلات اسکان غیررسمی و به تبع آن توجه به کیفیت زندگی در این مناطق به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های دولت‌های محلی در کشورهای در حال توسعه هست که حتی سازمان‌های بین‌المللی نیز بر این امر تأکید داشته و برنامه‌هایی را با همکاری دولت‌ها و کشورهای درگیر مسئله در حال اجرا می‌باشد که از جمله آن می‌توان به دفتر اسکان سازمان ملل اشاره کرد. در کلان‌شهر تبریز بیش از ۵۰۰ هزار نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی این شهر جای گرفته است، عمده این جمعیت در قسمت‌های شمالی شهر استقرار یافته‌اند که به لحاظ ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شرایط نامناسبی دارند. از این رو پرداختن به موضوع اهمیت فراوانی دارد. سؤال اساسی پژوهش این است که چه عواملی بر کیفیت زندگی در مناطق اسکان غیررسمی تبریز مؤثر است؟ و چه شاخص‌هایی در بهبود کیفیت زندگی در این مناطق تأثیر دارند؟ هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در این مناطق می‌باشد که برای نیل به این هدف عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی محلات مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش‌های زیادی در مورد کیفیت زندگی انجام شده است. روسن (۱۹۹۲) عامل دستمزد (جنبه اقتصادی کیفیت زندگی) و نوردهاوس و توپین (۱۹۷۲) تفاوت اجاره‌بها را به عنوان شاخص‌های مهم کیفیت زندگی بررسی کرده‌اند. دلفیم موقعیت اقتصادی را یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی شهری به حساب می‌آورد و آن را دربردارنده میزان درآمد و مصرف، بازار مسکن و اشتغال و پویایی اقتصادی دانسته است (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷) جدول (۱).

جدول (۱). پژوهش‌های تجربی در مورد موضوع تحقیق

محقق	منطقه مورد مطالعه	هدف	عنوان / نتیجه
Li & Weng	ایندیاناپولیس ایالات متحده آمریکا	ارزیابی کیفیت زندگی با تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از راه دور	"اندازه‌گیری کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپولیس با تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از راه دور" / نتایج حاکی از ارتباط معنادار میان متغیرهای اجتماعی - اقتصادی با متغیرهای محیطی است.
SALAU	نیجریه	بررسی ارتباط میان سطح کیفیت زندگی با مقیاس اندازه شهرها	"کیفیت زندگی و اندازه شهر: نمونه موردی نیجریه" / نتیجه پژوهش حاکی از ارتباط میان سطح زندگی با اندازه شهری که شهرهای بزرگ‌تر از کیفیت زندگی بیشتری نسبت به شهرهای میانه و کوچک برخوردارند.

شماعی و همکاران	بابلسر	بررسی نابرابری‌های شاخص‌های کیفیت زندگی و دستیابی به درجه و اختلاف کیفیت زندگی در سطح محلات شهر	"تحلیل نابرابری شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح محلات شهر بابلسر" / نتایج به‌دست‌آمده حاکی از اینکه نابرابری‌ها در متغیرها به‌خصوص شاخص دسترسی در بین محلات شهر بابلسر است
موسوی و همکاران	سردشت	ارزیابی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت	"ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت" نتایج حاصل نشان‌دهنده تأثیر بیشتر متغیرهای کالبدی با میزان ۲/۳۱۳ در بالا رفتن میزان کیفیت زندگی در سطح محلات شهر سردشت است.
اجزا شکوهی و همکاران	مشهد	بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی پنج‌تن آل عبا (التیمور مشهد)	بین سکونت و ارتقای کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری در میزان رضایتمندی نسل اول و دوم ساکن در منطقه دیده نمی‌شود. به ترتیب شاخص‌های کالبدی و اجتماعی و اقتصادی، دارای بالاترین میزان همبستگی باکیفیت زندگی است.
قالیباف محمدباقر و همکاران	تهران	بررسی شاخص‌های مرتبط باکیفیت زندگی از دید شهروندان محله یافت‌آباد شهر تهران	در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: محله یافت‌آباد)" / نتایج حاکی از عدم مطلوبیت وضعیت کیفیت زندگی در زمینه‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی از دید جامعه نمونه در منطقه مورد مطالعه که تنها وضعیت حمل‌ونقل و ارتباطات در حد متوسطی ارزیابی شده است.
حسنی نژاد و همکاران	فارس	ارزیابی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات شهری (مطالعه موردی: حاجی‌آباد فارس)	در بررسی ابعاد چهارگانه شاخص کیفیت زندگی بین این شاخص‌ها همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین هر یک از ابعاد با رضایتمندی نهایی از کیفیت زندگی همبستگی معناداری دارند. در بین شاخص‌های کیفیت زندگی، شاخص اقتصادی بیشترین تأثیر را در کیفیت زندگی محلات دارد.

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۸.

روش تحقیق

پژوهش حاضر را می‌توان از نوع کاربردی دانست که با رویکردی توصیفی-تحلیلی درصدد تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در مناطق حاشیه‌نشین تبریز می‌باشد. از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است که روش اسنادی برای تبیین مبانی نظری و پیشینه پژوهش و روش میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز و سنجش شاخص‌ها و عوامل مؤثر به کار گرفته شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری داده، پرسش‌نامه خانواری است که به‌صورت محقق ساخته، اساس کار را تشکیل می‌دهد. برای تضمین روایی پرسش‌نامه از نظرات اساتید و محققان استفاده شده است. نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS بهره‌گیری شده است که مقدار آن ۰/۷۳ برآورد شده است و تأییدکننده پرسش‌نامه می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش خانوارهای ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شمال شهر تبریز می‌باشد. تعداد کل خانوارهای ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز، تعداد ۸۰ هزار خانوار است. از آنجایی که این آمار به تفکیک

محلات به صورت مستند وجود ندارد، کل خانوارهای این سکونتگاه‌ها به عنوان جامعه آماری ملاک عمل قرار گرفته است که البته باعث افزایش تعداد نمونه و دقت کار خواهد شد. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران رابطه (۱) به تعداد ۳۸۲ نفر برآورد شده است که به صورت تصادفی بین سرپرستان خانوار توزیع شده است.

$$N = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \quad \text{رابطه (۱)}$$

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از انواع روش‌های آمار توصیفی مثل؛ نمودار و جداول و روش‌های آمار استنباطی نظیر، تحلیل همبستگی، آزمون T و تحلیل مسیر استفاده شده است.

داده‌ها

برای تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه از مجموعه شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی استفاده شده است که در جدول (۲) به نمایش درآمده است.

جدول (۲). معیارهای مورد استفاده در پژوهش

معیارهای اصلی	زیرمعیارها
شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی	ارتباط با همسایگان، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، امنیت محله، حس تعلق، میزان آگاهی از امورات محله، شهر و کشور، مشارکت در امور محله
شاخص اقتصادی	رضایت‌مندی از درآمد- رضایت‌مندی از شغل
شاخص‌های کالبدی	رضایت‌مندی از تعداد اتاق در واحد مسکونی، ابعاد قطعات مسکونی، تعداد اتاق مسکن، کیفیت بنا، مصالح نما، تعداد خانوار در مسکن، مالکیت مسکن، وضعیت کوچه و خیابان، وضعیت دفع زباله
شاخص‌های زیست محیطی	صداهای آزاردهنده (آلودگی صوتی)، فعالیتهای آلوده‌کننده، کیفیت دفع فاضلاب.

منبع: گردآوری نگارندگان، ۱۳۹۸

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر تبریز به عنوان مرکز استان آذربایجان شرقی، بزرگ‌ترین مرکز اقتصادی- جمعیتی منطقه شمال غرب هست که در طول تاریخ توانسته این نقش را حفظ کند. نقش تجاری بازرگانی به عنوان یکی از نقش‌های این شهر همواره الهام‌بخش فعالیت‌های ساکنان در این شهر بوده است. جمعیت شهر تبریز بنا بر نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۱,۷۷۳ هزار نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). جمعیت حاشیه‌نشین در این شهر بنا بر آمارهای رسمی اعلامی از سوی مراجع ذی ربط بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر می‌باشد که آمارهای غیررسمی آن را بیش از ۵۰۰ هزار نفر نیز برآورد می‌کند. این جمعیت عمدتاً در قسمت‌های شمالی شهر جای گرفته‌اند و بخش‌هایی از جنوب شهر نیز به عنوان سکونتگاه غیررسمی شناخته می‌شود شکل (۱). در کل ۱۸ محله حاشیه‌نشین در مجموع در چهار پهنه تبریز وجود دارد که بیشترین میزان حاشیه‌نشینی تبریز در قسمت شمال تبریز بوده و در پهنه جنوب نیز آخر مارالان و طالقانی، در پهنه غرب محدوده پارک تبریز و در پهنه جنوب غرب هم مناطق

رواسان و آخماقیه حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند. به لحاظ شرایط توپوگرافیکی، این محلات در شیب‌های بسیار تند واقع شده‌اند و بسیاری از آن‌ها دسترسی سواره ندارند و رفت‌وآمد از طریق پلکان انجام می‌گیرد. نداشتن سیستم فاضلاب و تأسیسات استاندارد از دیگر ویژگی‌های این محلات است. کیفیت مسکن این محلات بسیار پایین و حتی گاه با مصالحی چون خشت و گل می‌باشد. بافت متراکم و غالب مسکونی که بدون هیچ‌گونه فضای باز و سبز می‌باشد در این مناطق به چشم می‌خورد شکل (۲).



شکل (۱). موقعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر تبریز منبع: شهرداری تبریز



شکل (۲). تصاویری از سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز

مبانی نظری

در ادبیات مطروحه در این زمینه ما با دو رویکرد اصلی در سنجش کیفیت زندگی شهری مواجه می‌شویم رویکرد عینی و رویکرد ذهنی (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۵). این دو رویکرد غالباً به‌طور مجزا از همدیگر و بندرت در ترکیب باهم برای سنجش کیفیت زندگی شهری به کار می‌روند (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰).

رویکرد عینی: کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد (Das, 2008: 298). کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و ... حاصل می‌شود (Tuan Seik, 2000: 34). این رویکرد که توسط جان درینوسکی و ریچارد تیموس ابداع شده است در اکثر کشورهای اروپایی به‌ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد، از این رو به رویکرد اسکاندیناوی نیز معروف است (عظیمی، ۱۳۸۹: ۴). واقعیت این است که کیفیت زندگی افراد بدون در نظر گرفتن ذهنیت‌های آن‌ها نسبت به زندگی، غیرقابل سنجش است و شاخص‌های عینی درحالی که پایایی بالایی دارند، از قابلیت اطمینان پایینی برای سنجش بهزیستی انسانی برخوردارند (Tuan Seik, 2000: 34).

رویکرد ذهنی: کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی که ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد، با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها که مکمل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی‌اند، ادراکات و ارزشیابی افراد را از وضعیت عینی زندگی‌شان نمایش می‌دهد. شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی شهری به دست می‌آیند درحالی که شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه به دست می‌آیند (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). از آنجاکه در بیشتر تحقیقاتی که در کشور آمریکا در مورد کیفیت زندگی انجام شده است، محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌شان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تأکید کرده‌اند این رویکرد به رویکرد آمریکایی نیز معروف است (عظیمی، ۱۳۸۹: ۴). علی‌رغم برخی نقاط ضعف، شاخص‌های ذهنی در سیاست‌های اجتماعی، انتخاب اهداف سیاسی و ارزیابی موفقیت‌های سیاسی ضروری هستند. شاخص‌های عینی به‌تنهایی نمی‌توانند اطلاعات کافی را برای ما فراهم سازند. سیاست‌گذاران باید بدانند مردم واقعاً چه چیزهایی نیاز دارند تا بتوانند معنادارترین اهداف را برای آن‌ها انتخاب کنند. بسیاری از این اطلاعات مستلزم این هستند که ما از شاخص‌های ذهنی استفاده کنیم. هنگامی که سیاست‌گذاران درباره اهداف تصمیم می‌گیرند، بازهم با این مشکل روبه‌رو هستند که فرآیند سیاسی همیشه اولویت‌های عمومی را به‌درستی منعکس نمی‌سازد؛ بنابراین درک بهتر اولویت‌های عمومی مستلزم تحقیقات بیشتری در زمینه نگرانی‌ها، آرزوها و رضایتمندی عمومی مردم است که این شاخص‌ها هم از نظر مفهوم و هم از نظر اندازه‌گیری‌ها ذهنی هستند (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۱).

سکونتگاه غیررسمی: بر اساس گزارش مرکز اسکان بشر ملل متحد در سال ۲۰۱۷، یک نفر از هر هشت نفر در محلات فقیر ۲ زندگی می‌کنند. بر اساس همین گزارش نسبت ساکنان این مناطق در آفریقا بیشترین درصد

². slums

را با ۵۵/۹٪، به خود اختصاص داده است. پس از آن آسیا با ۲۷/۹٪، امریکای لاتین و کارائیب با ۲۱/۱٪، قرار دارد. با این حال از نظر تعداد ساکنان در این مناطق، بیشترین تعداد مربوط به آسیا می باشد (UN-Habitat global activities report, 2017:21). در همین ارتباط، کمسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱ میلادی نیز هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها، فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده ای از رشد شهرنشینی برپایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونتگاه های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را "غیررسمی شدن شهرنشینی" نامیده است (صرافی، ۱۳۸۱:۵).

تحلیل مسیر^۳: تحلیل مسیر نخستین بار توسط یک بیولوژیست به نام سوول رایت^۴ در سال ۱۹۳۴ در ارتباط با تجزیه کردن مجموع همبستگی بین دو متغیر در یک سیستم علی معرفی گردید. این روش تعمیم یافته روش رگرسیون چندمتغیره در ارتباط با تدوین مدل های علی است. تکنیک تحلیل مسیر بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است. این روش بر استفاده ابتکاری از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر^۵ معروف است، تأکید خاصی دارد. روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آنها را تفسیر نماید (آذر، ۱۳۸۱:۵۹).

نتایج

یافته های توصیفی

نمونه آماری پژوهش ۳۸۲ نفر می باشد که بر اساس نتایج، ۷۷،۲ درصد از پاسخگویان را مردان و ۲۲،۸ درصد را زنان تشکیل داده اند. از نظر سنی، ۹،۲ درصد در گروه سنی زیر ۳۰ سال، ۲۳،۸ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۳۰ تا ۴۵ سال، ۲۹،۶ درصد در گروه سنی ۴۵ تا ۶۰ و ۳۷،۴ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۰ سال جای گرفته اند. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل پاسخ ها، ۲۰،۳ درصد از پاسخگویان در محدوده مورد مطالعه دارای شغل دولتی بوده اند. ۵۲،۹ درصد شغل آزاد، ۴،۲ درصد خانه دار و ۲۲،۷ درصد نیز بیکار بوده اند.

از نظر تحصیلات نیز، ۱۸،۳ درصد دارای تحصیلات سیکل بوده اند. ۳۲،۵ درصد با تحصیلات دیپلم، ۱۶ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۲۶،۴ درصد نیز لیسانس و بالاتر بوده اند. لازم به ذکر است که ۸،۶ درصد از پاسخگویان نیز بی سواد بوده اند. از نظر مدت زمان سکونت، ۷،۶ درصد سکونتی زیر ۵ سال در منطقه داشته اند. ۳۳،۲ درصد سکونتی بین ۵ تا ۱۰ سال، ۳۸،۵ درصد سکونت بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۲۰،۷ درصد نیز بالاتر از ۱۵ سال در منطقه سکونت داشته اند.

یافته های استنباطی

تحلیل وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی: برای بررسی وضعیت مؤلفه های مربوط به کیفیت زندگی در محلات مورد نظر، نتایج حاصل از پرسش نامه در قالب ۴ عامل و ۲۰ گویه با استفاده از آزمون T تک

^۳. Path Analysis

^۴. Swell Wright

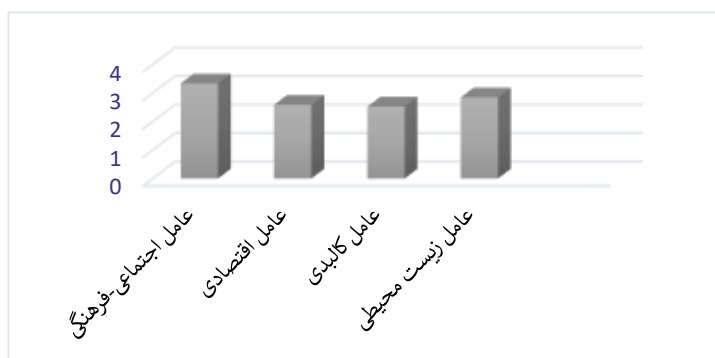
^۵. Path Diagram

نمونه‌ای و با مدنظر قرار دادن میانگین نظری ۳، مورد بررسی قرار گرفته شده است؛ که بر اساس آن، عامل اجتماعی- فرهنگی میانگین ۳،۳۳ عامل کالبدی میانگین ۲،۵۲، عامل اقتصادی میانگین ۲،۵۸ و عامل زیست‌محیطی میانگین ۲،۸۴ کسب کرده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که وضعیت عوامل اجتماعی- فرهنگی در محله در وضعیت مناسبی قرار دارند و بالاتر از میانگین است. به عبارتی پاسخگویان از این عامل در مقایسه با سایر عوامل رضایتمندی بیشتری دارند. در مقابل، عوامل زیست‌محیطی، اقتصادی و کالبدی پایین‌تر از میانگین هستند و از نظر پاسخگویان ساکن در محله وضعیت خوبی ندارند جدول (۳).

جدول (۳). آماره‌های تی تک نمونه‌ای

انحراف معیار	میانگین	فراوانی	ابعاد
۰،۵۶۷	۳،۳۳	۳۸۲	اجتماعی- فرهنگی
۰،۸۳۹	۲،۵۸	۳۸۲	اقتصادی
۰،۳۷۷	۲،۵۲	۳۸۲	کالبدی
۰،۷۲۱	۲،۸۴	۳۸۲	زیست‌محیطی
۰،۳۳۶	۲،۸۲	۳۸۲	کیفیت زندگی کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸



شکل (۳). مقایسه میانگین مؤلفه‌های کیفیت زندگی

از نظر رتبه‌بندی مؤلفه‌های چهارگانه، همان‌طور که در شکل (۳) نمایش داده شده است، عامل اجتماعی- فرهنگی رتبه اول را دارد. در رتبه بعدی عامل زیست‌محیطی قرار دارد. عامل اقتصادی در رتبه سوم و عامل کالبدی در رتبه آخر می‌باشد.

جدول (۴). نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

ابعاد	مقدار آزمون=۳					
	t	df	سطح معناداری	تفاوت میانگین	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
اجتماعی-فرهنگی	۱۱,۴۶	۳۸۲	.۰۰۰	۰,۳۳۲۹	۰,۲۷۵	۰,۳۹۰
اقتصادی	-۹,۶۹	۳۸۲	.۰۰۰	-۰,۴۱۶۲	-۰,۵۰۰	۰,۳۳۱

کالبدی	-۲۴,۸۰	۳۸۲	۰۰۰	-۰,۴۷۸۷	-۰,۵۱۶	-۰,۴۴۰
زیست محیطی	-۴,۰۹	۳۸۲	۰۰۰	-۰,۱۵۳	-۰,۲۲۷	-۰,۰۸۰
کیفیت زندگی	-۹,۸۴	۳۸۲	۰۰۰	-۰,۱۷۲	-۰,۲۰۷	-۰,۱۳۸

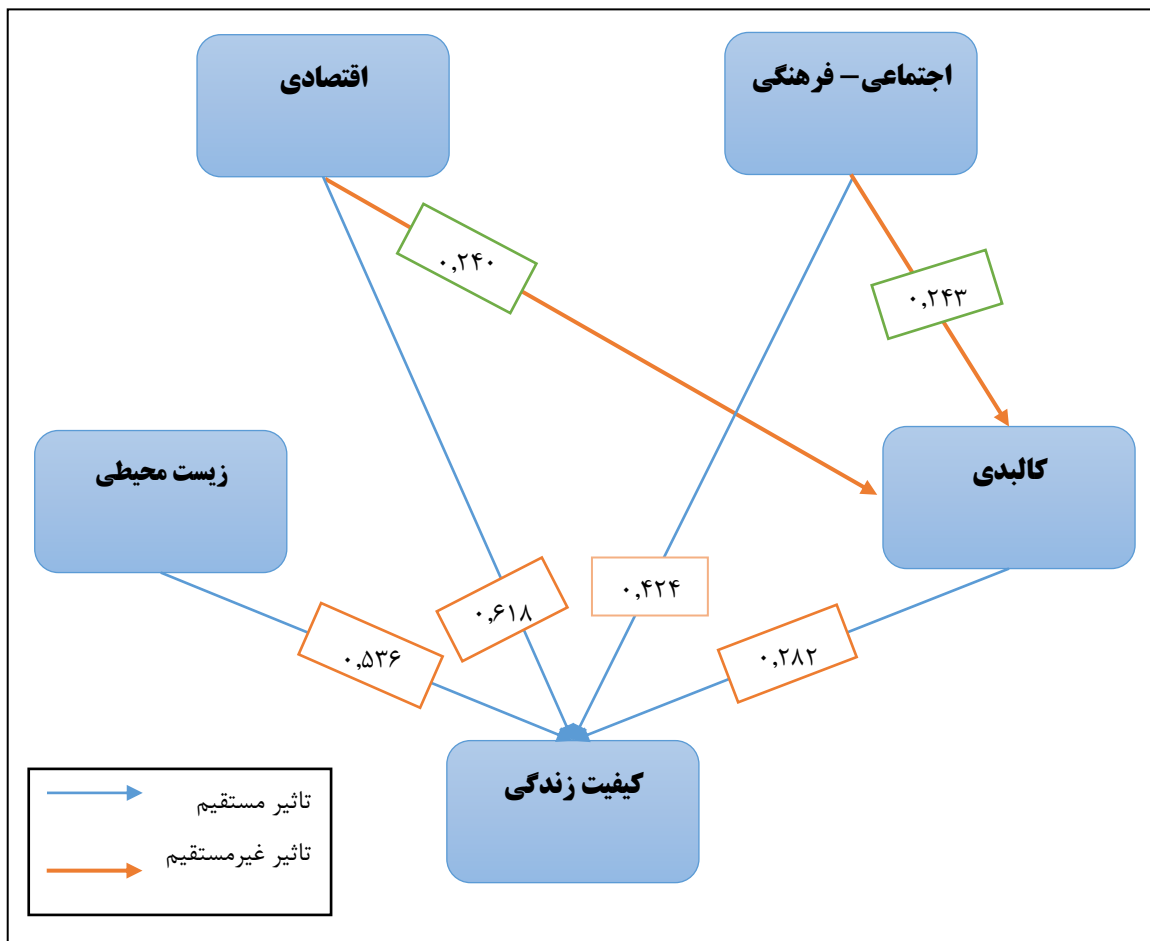
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بر اساس نتایج جدول (۴)، تفاوت میانگین در عوامل مورد بحث، در سطح $P \geq 0.01$ معنادار است. در محدوده مورد مطالعه، وضعیت کالبدی بافت به گونه‌ای است که در برخی محله‌ها صرفاً دسترسی پیاده امکان‌پذیر است. این امر در کنار ناپایداری مصالح مورد استفاده در ساخت بناها، این محلات را در برابر انواع مخاطرات آسیب‌پذیر ساخته است. اهمیت موضوع زمانی بیشتر درک می‌شود که بدانیم این محلات در مجاورت گسل شمال تبریز بنا شده‌اند. دسترسی ضعیف به فضاهای باز و سبز، دسترسی نامطلوب به سیستم حمل‌ونقل عمومی، ریزدانه‌گی قطعات و تراکم بالا، همگی از دیگر عوامل مؤثر بر کیفیت نامطلوب کالبدی در این محلات می‌باشد که بر کیفیت زندگی تأثیر منفی می‌گذارد؛ اما تداوم این شرایط نامطلوب کالبدی ریشه در عوامل اقتصادی دارد. ناتوانی در بهبود شرایط مسکونی و یا بهسازی محیط و مسکن به دلیل ضعف در شرایط اقتصادی و ضعف مالی و بیکاری ساکنین دارد. به عبارتی تداوم شرایط اقتصادی نامطلوب موجب تداوم چرخه حاشیه‌نشینی و بازتولید سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود.

بررسی تأثیر هر یک از عوامل بر کیفیت زندگی: برای تحلیل تأثیر هریک از عوامل بر یکدیگر و نیز بر کیفیت زندگی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. در این تحلیل اثر هر یک از عوامل بر یکدیگر (تأثیر غیرمستقیم) و نیز بر کیفیت زندگی (تأثیر مستقیم) مورد نظر بوده است.

بر این اساس عامل اقتصادی با $۰/۶۱۸$ ، عامل اجتماعی- فرهنگی با $۰/۴۲۴$ ، عامل کالبدی با $۰/۲۸۲$ و عامل زیست محیطی با $۰/۵۳۶$ بر کیفیت زندگی تأثیر مستقیم دارند. همچنین از نظر تأثیر غیرمستقیم، عامل اجتماعی- فرهنگی با $۰/۰۶۸$ و عامل اقتصادی با $۰/۰۶۷$ بر کیفیت زندگی تأثیر دارند. بقیه عوامل از نظر تأثیر غیرمستقیم، تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی ندارند. از این رو از مدل حذف شده‌اند.

می‌توان گفت که بنا بر نظرات پاسخگویان، عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه دارد. این عامل هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر کیفیت زندگی تأثیرگذار است. تأثیرگذاری غیرمستقیم آن از طریق عامل کالبدی می‌باشد. در درجه بعدی، تأثیرگذاری با عامل زیست محیطی می‌باشد. عامل اجتماعی- فرهنگی را می‌توان سومین عامل تأثیرگذار دانست که بر کیفیت زندگی تأثیرگذار است. این عامل نیز هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر کیفیت زندگی اثرگذار است. در نهایت عامل کالبدی کمترین تأثیر را دارد شکل (۴).



شکل (۴). تحلیل تأثیرات عوامل بر یکدیگر و بر کیفیت زندگی. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

جدول (۵). تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل و رتبه آن‌ها

رتبه	اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	عوامل
۲	۰,۴۹۲	۰,۰۶۸	۰,۴۲۴	اجتماعی- فرهنگی
۱	۰,۶۸۵	۰,۰۶۷	۰,۶۱۸	اقتصادی
۴	۰,۲۸۲	-	۰,۲۸۲	کالبدی
۳	۰,۵۳۶	-	۰,۵۳۶	زیست محیطی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

همان‌طور که در جدول (۵)، نمایش داده شده است، عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی دارد. اهمیت عامل اقتصادی به دلیل تأثیرگذاری آن بر غالب ابعاد زندگی انسانی می‌باشد. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، عامل اقتصادی بر بهبود شرایط کالبدی، زیست محیطی، کیفیت دسترسی‌ها و دیگر ابعاد زندگی شهری

تأثیر غیرقابل انکار دارد. عامل کالبدی از عوامل اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد، چراکه به دلیل شرایط اقتصادی می‌توان وضعیت کالبدی محیط زندگی را بهبود بخشید.

نتیجه‌گیری

اسکان غیررسمی با مفاهیمی چون حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، حلبی‌آبادها و... در کشورهای مختلف وجود دارد که وجه مشترک همه آن‌ها را می‌توان در غیررسمی بودن سکونت آن‌ها در گوشه‌ای از شهر دانست. این سکونتگاه‌ها الزاماً در حاشیه شهرها نیستند و مراکز قدیمی و متروک شهرها گاهی به محل تجمع این ساکنان به‌ویژه در شهرهای امریکای شمالی بدل می‌شود. این سکونتگاه‌ها که عمدتاً از مهاجران روستا- شهری و گروه‌های رانده‌شده شهری تشکیل شده‌اند، حجم بالایی از نیروی انسانی را در خود جای داده‌اند که با به کار گرفتن آن در بخش اقتصاد غیررسمی فعالیت‌هایی را در شهر پدیدار می‌کنند؛ اما این سکونتگاه‌ها به مسئله‌ای برای شهرها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بدل شده‌اند و عدم مدیریت صحیح آن‌ها می‌تواند بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به بار آورد. از آنجایی که این سکونتگاه‌ها در اراضی خارج از محدوده خدماتی شهر بنا می‌شوند، عموماً از خدمات شهرداری محروم‌اند. از نظر امنیت تصرف، به دلیل نداشتن سند مالکیت و تصرفی بودن زمین، حتی در صورت توانمند بودن ساکنان آن، هیچ رغبتی برای برپا سازی مسکن استاندارد در آن‌ها وجود ندارد. از این‌رو این مناطق عموماً از نظر کیفیت کالبدی در سطح پایینی قرار دارند و در مقابل خطرات و بحران‌های طبیعی و انسان‌ساخت آسیب‌پذیر هستند. اما نکته مهم این است که این نوع از سکونتگاه‌ها، حاصل عملکرد سیستم سیاسی- اقتصادی و اجتماعی حاکم در طول سالیان می‌باشد که نتوانسته است این گروه‌ها را از چرخه فقر خارج سازد و به بدنه اقتصاد رسمی وارد سازد. شاید بتوان خاصیت همه شهرهای کشورهای در حال توسعه را وجود این نوع از اجتماعات دانست. کلان‌شهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نیست و جمعیتی انبوه را در این سکونتگاه‌هایی غیررسمی جای داده است که از نظر شاخص‌های اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی در سطح بسیار پایینی قرار دارند. در این پژوهش به تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز بر اساس رویکرد ذهنی پرداخته شده است؛ بنابراین مهم که هدف همه برنامه‌ریزی‌های مربوط به شهر و مدیریت شهری در راستای بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندان می‌باشد، سنجش کیفیت زندگی بر اساس رویکرد ذهنی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. چراکه احساس رضایتمندی را نمی‌توان به‌طور کامل در شاخص‌های عینی جست. نتایج نشانگر این می‌باشد که عوامل اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی در وضعیت نامناسبی قرار دارد و تنها عامل اجتماعی- فرهنگی بالاتر از میانگین می‌باشد که شاید علت آن را بتوان در همبستگی‌های قومی و خانوادگی در این مناطق دانست که در مشارکت و حضور ساکنین در برخی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی مؤثر است. همچنین بر اساس تحلیل مسیر انجام‌شده، عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را در کیفیت زندگی ساکنان این مناطق دارد. عامل اقتصادی هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم بر کیفیت زندگی اثرگذار بوده است. تأثیرگذاری غیرمستقیم آن از طریق عامل کالبدی می‌باشد. به عبارتی عامل کالبدی با تأثیرپذیری از عامل اقتصادی بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. از نظر تجربی بخشی از آنچه که تعیین‌کننده شرایط کالبدی این محلات می‌باشد در عامل اقتصادی نهفته است. عامل دیگر تأثیرگذار، عامل زیست‌محیطی هست که در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اغلب این

محلات که در توپوگرافی ناهموار بنا شده‌اند، از دسترسی قابل قبول به خدمات شهری بر اساس سرانه و شعاع دسترسی محروم‌اند. شبکه فاضلاب در آن‌ها مستقر نیست. شبکه معابر پاسخگوی تراکم جمعیت نمی‌باشد و یک نوع فشردگی و تراکم غیراستاندارد وجود دارد که شرایط زیست‌محیطی نامطلوبی را رقم زده است. عوامل اجتماعی- فرهنگی و کالبدی از دیگر عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی در این مناطق می‌باشند. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که برخورد مناسب با این سکونتگاه‌ها برنامه‌ای جامع می‌طلبد که تنها بر ابعاد کالبدی و فیزیکی استوار نباشد. برنامه‌ای که با توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی همراه باشد. جابجایی و حذف این سکونتگاه‌ها به دلیل عدم توجه به ریشه آن باعث برپایی آن‌ها در مناطق و محلات دیگر خواهد شد. به‌طور کلی باید گفت که برنامه‌هایی که برای مناطق حاشیه شهر تبریز صورت می‌گیرد، باید هدفمند و متناسب با میزان دسترسی به منابع محلی و نیازهای مردم انجام شود تا بتواند به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند. در توزیع امکانات شهری بین محله‌های تفاوت وجود دارد، در طرح‌های توسعه شهری، آگاهی از این شرایط برای توزیع بهینه‌ی امکانات و دسترسی آسان شهروندان به این امکانات کارساز است. نگاهی موفقیت‌آمیز خواهد بود که به حذف دور تسلسل فقر بینجامد.

پیشنهادهات

در انتها می‌توان با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر را مطرح نمود:

- مشارکت مردم در رفع نیازهایشان منجر به افزایش کیفیت زندگی می‌گردد، بنابراین باید زمینه‌های حضور شهروندان در عرصه‌های مشارکت و تصمیم‌گیری‌های حوزه‌ی شهری تقویت شود
- با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی توسعه‌ی محله‌ای، تهیه‌ی نقشه راه با عنوان «توسعه محلات» برای هر استان با توجه به شرایط خاص آن منطقه تدوین گردد.
- توجه به ارتقای کیفیت زندگی در شهرهای کوچک و مبانی نادیده گرفته نشود زیرا کیفیت زندگی شاخص پیشرفت هر کشوری است.
- تصویب طرح‌های محلی به‌وسیله‌ی ساکنان آن محله صورت بگیرد.
- واکاوی موفقیت یا عدم موفقیت طرح‌های شهری با حضور شهروندان انجام بگیرد زیرا این طرح‌ها بر سطح زندگی ساکنان تأثیر دارد.

منابع

- آذر، عادل (۱۳۸۱). تحلیل مسیر و علت‌یابی در علم مدیریت. مجله مجتمع آموزش عالی قم. سال چهارم، ۱۵: ۵۹-۹۶.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ احمدی بغداد آبادی، نعیمه (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای و کیفیت زندگی در شهر مهریز، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۹ (۳۰): ۲-۲۹.
- حسینی نژاد، آسیه؛ مسیبی، سمانه؛ حسینی نژاد، اردلان (۱۳۹۵). ارزیابی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات شهری. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۴ (۲۶): ۱۸۴-۱۶۵.
- حسینی، رضا؛ شمس، مجید (۱۳۹۸)، سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری با رویکرد رضایت شهروندان (نمونه موردی بخش اشتهرینان)، نشریه علمی تخصص شباک، ۵ (۲): ۱۷-۲۸.
- حیدرزاده، احسان؛ بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۸)، تأثیر تراکم جمعیتی بر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری نمونه موردی مطالعه، منطقه ۳ کلان‌شهر تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۳۷): ۱-۱۲.
- خادم الحسینی، احمد؛ منصوریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین (۱۳۸۹). سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی شهرنورآباد استان لرستان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۳ (۳): ۴۵-۶۰.
- شماعی، علی؛ فرجی ملایی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ هاتفی، مریم (۱۳۹۱). تحلیل نابرابری شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح محلات شهر بابل‌سر، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال دهم، ۳۳: ۲۸۰-۲۵۳.
- صابری فر، رستم (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند: مطالعات موردی منطقه کارگران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۹۲: ۲۹-۵۲.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱). به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی. ۱ (۸): ۵-۱۱.
- عظیمی، آزاده (۱۳۸۹). ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری. ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، ۵۵: ۴-۸.
- فتحعلیان، معصومه؛ پرتوی، پروین (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی‌شده اسلامشهر (موردپژوهشی قائمیه و واوان)، نشریه مطالعات تطبیقی هنر (دو فصلنامه علمی - پژوهشی)، ۱: ۹۸-۱۰۱.
- قالیاف، محمدباقر؛ روستایی، مجتبی؛ رمضان زاده، مهدی؛ طاهری، محمدرضا. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی محله یافت‌آباد)، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۳۱: ۳۳-۵۳.
- لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، ۴: ۸۰-۶۵.
- محمدی، یاسر؛ رحیمیان، مهدی؛ موجو محمدی، حمید؛ طرفی، عبدالحسن (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوه‌دشت. استان لرستان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۹۸: ۸۵-۶۶.
- موسوی، میرنجم؛ باقری، علی (۱۳۹۱)، ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹: ۹۷-۱۱۸.

میرآبادی، مصطفی؛ بشارتی‌فر، صادق، کریمی، احمد (۱۳۹۷)، *تحلیلی بر الگوی فضایی، ابعاد و عوامل مرتبط با رشد شهرنشینی دوره معاصر در ایران با تأکید بر شاخص‌های توسعه‌ای و معیشتی*، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۶(۳): ۶۰۵-۶۲۷.

نسترن، مهین؛ احمدی، قادر؛ آقازاده مقدم، سهند (۱۳۹۴). *ارزیابی کیفیت زندگی شهری در محلات بافت قدیم و جدید شهر ارومیه*. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳: ۳۳-۷.

نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق (۱۳۸۹). *جهان چهارم ایرانی - سیمای زیست حاشیه‌ای و مسائل شهری در همدان و برخی راه چاره‌ها*. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۱: ۱۴۵-۱۶۶.

Abbott, J. (2002). **A method-based planning framework for informal settlement upgrading**. Habitat International. 26(3):452-303

Aroca, P. Gonzalez, P. A. & Valdebenito, R. (2017). **The heterogeneous level of life quality across Chilean regions**. Habitat International, 68, 84-98.

Connolly, S. (2007), **Mapping sustainable development as a contested concept**, Local Environment, Vol. 12, No. 3, Pp 259-278.

Das, D. (2008), "**Urban Quality of Life: A case study of Guwahati**", Social Indicators Research, 88(2): 297-310.

Foo, T. S (2000). **Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998)**. Habitat international. 24(1): 31-49.

McCrea, R. Shyy, T.K. and Stimson, R. (2006). **What is the strength of the link between objective and subjective indicators of urban quality of life?** Applied Research in Quality of Life. 1(1): 79-96.

Pacione, Michael, (2003), **Urban environmental quality and human wellbeing-a social geographical perspective**, Landscape and Urban Planning (65): 19-30

Pearl, d. C. Cabral, P. and Mateu, J. (2011). **Mapping the Quality of life Experience in Alfama: A case study Lisbon**, Portugal. In B. Murgante, O. Gervasi, A. Iglesias, D. Taniar and B. Apduhan (Eds), **Computational Science and its Applications**. ICCSA 2011. vol 6782. Springer Berlin / Heidelberg. 269-283

Protassenko, T. (1997). "**Dynamics of the standard of living in St Petersburg during five years of economic reform**". International Journal of Urban and Regional Research. 21 (3): 445-454.

SANTOS.L.D and MARTINS.I. (2007). **MONITORING URBAN QUALITY OF LIFE: THE PORTO EXPERIENCE**, social Indicators Research.(80): 411-425.

Serag EI Din. H, et.al. (2012). **Principles of urban quality of life for a neighborhood**. Housing and Building National Research Center Journal.9(1): 86-92

Teklay,Rishan. (2012). **Adaptation and Dissonance in Quality Of Life: Indicators for urban planning and policy making**, Enschede, the Netherlands, march.

Tesfazghi, E. S. Matinez, J. A. and Verplanke, J. (2010). **Variability of quality of life at small scales: Addis Ababa, Kirkos Sub-City**. Social Indicators research. 98(1): 3-88.

Tuan Seik, F. (2000). **Subjective assessment of urban quality of life in Singapore**. Habitat International, (24): 31-49.

UNDP Human Development Report, (1994), Oxford University Press, New York.

UN-Habitat(2017). **global activities report, Strengthening partnerships in support of the New Urban Agenda and the Sustainable Development Goals**.

Varol, C. Ercoskun, O.Gurer, Y. (2010), **Local participatory mechanisms and collective actions for sustainable urban development in Turkey**, Habitat International, Volume 35, Issue 1, January 2011, Pp 9–16.

Walford, N. Samarasundera, E. Phillips, J. Hockey, A. & Foreman, N. (2011): **Older people's navigation of urban areas as pedestrians: Measuring quality of the built environment using oral narratives and virtual routes**, Landscape and Urban Planning, Vol. 100, pp. 163-168.

Wish, N. B (1986). **Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones**. American Journal of Economics and Sociology, 45(1): 93-99.